



مقام معظم رهبری (دام ظلّه):  
عاشورا به ما درس می دهد که در ماجرای دفاع از دین، بصیرت بیش از چیزهای دیگر برای انسان لازم است. بی بصیرت ها بدون این که بدانند، فریب می خورند و در جبهه باطل قرار می گیرند چنان که در جبهه ابن زیاد کسانی بودند که فُسّاق و فُجّار نبودند ولی از بی بصیرت ها بودند. اینها درس های عاشورا است البته همین درس ها کافی است که يك ملت را از ذلت به عزّت برساند. همین درس ها می تواند جبهه کفر و استکبار را شکست بدهد. اینها درس های زندگی ساز است.



اگر عاشورا و فداکاری خاندان پیامبر نبود، بعثت و زحمات جان فرسای نبی اکرم صلی الله علیه و آله وسلم را طاغوتیان آن زمان به نابودی کشانده بودند.

## دست آوردهای عاشورا

ابوسفیانان می خواستند قلم سرخ بر کتاب وحی بکشند و یزید، یادگار عصر تاریک بت پرستی، به گمان خود با کشتن و به شهادت کشیدن فرزندان وحی امید داشت اساس اسلام را برچیند و با شعار صریح «لا خبر جاء ولا وحی نزل» بنیاد حکومت الهی را برکند. اگر عاشورا نبود، نمی دانستیم به سر قرآن کریم و اسلام عزیز چه می آمد، لکن اراده خداوند متعال بر آن بوده و هست که اسلام رهایی بخش و قرآن هدایت را جاوید نگه دارد و حسین بن علی علیه السلام، این عصاره نبوت و یادگار ولایت، را برانگیزد تا جان خود و عزیزانش را فدای عقیده خویش و امت عظیم پیامبر اکرم نماید تا در امتداد تاریخ، خون پاک او بجوشد و دین خدا را آبیاری فرماید و از وحی و ره آوردهای آن پاسداری نماید.

حضرت امام خمینی رحمت الله علیه





# عاشورا غیر از درس، یک صحنه عبرت است. انسان باید در این صحنه نگاه کند تا عبرت بگیرد.



## عاشورا، صحنه عبرت

عاشورا غیر از درس، یک صحنه عبرت است. انسان باید در این صحنه نگاه کند تا عبرت بگیرد. عبرت بگیرد یعنی چه؟ یعنی خود را با آن وضعیت مقایسه کند و بفهمد در چه حال و وضعی قرار دارد. چه چیزی او را تهدید می کند و چه چیزی برای او لازم است. این را عبرت می گویند. مثلاً هنگامی که شما از جاده ای عبور می کنید و اتومبیلی را می بینید که واژگون شده یا تصادف کرده و آسیب دیده و مچاله شده و سرنشینانش نابود شدند، می ایستید و به آن صحنه نگاه می کنید، چرا؟ برای این که عبرت بگیرید. برای اینکه بر شما معلوم شود که چه جور سرعت و حرکت و چه جور رانندگی به این وضعیت منتهی می شود. این هم نوع دیگری از درس است اما درس از راه عبرت گیری.

مقام معظم رهبری دامه ظلّه





بصیرت، روشنائی و نور خاصی است که در نتیجه ی اعمال صالح و تقوای الهی به بندگان خدا داده می‌شود تا همچون چراغی، تاریکی‌ها و ظلمات را برایشان روشن نماید و با شناخت حقایق و درک دقیق امور، آنان را از فرو افتادن در دام لغزش‌ها حفظ نماید.

## شعاع بصیرت

بصیرت از ریشه «بصر = بینایی» است و به معنای عقیده قلبی، شناخت، بینش دل، آگاهی، یقین، زیرکی، عبرت، ثبات در دین، حجت و استبصار در چیزی و ... آمده است. ۱. در قرآن واژه بصیرت دو بار و مشتقات بصر، ۱۴۸ بار ذکر شده است و در ادبیات دینی «بصیرت» به معنای بینش، فهم عمیق، درک قلبی و آگاهی است. به عبارت دیگر: شناخت روشن از دین، تکلیف، پیشوا، حجت خدا، تشخیص راه صواب از ناصواب و تمیز حق از باطل بصیرت نام دارد. بصیرت و روشن بینی، از صفات شایسته ای است که یک مسلمان در زندگی فردی و اجتماعی خود باید از آن برخوردار باشد.

۱. کتاب العین، ج ۷، ص ۱۱۷.





# در دوران زندگی انسان با رفتارهای خود بر روی بینش و بصیرت خود پرده ی غفلت می کشد.

## از جنس نور

در دوران زندگی انسان با رفتارهای خود بر روی بینش و بصیرت خود پرده ی غفلت می کشد. ۱. لذا باید مراقب نقش شیطان در تغییر بینش ها بود؛ ۲. چرا که بصیرت و بینش صحیح در مواقع حساس خودنمایی می کند و قدرت خود را نشان خواهد داد. ۳.

از نگاه قرآن، تفاوت های اساسی میان اهل بصیرت و افراد بی بصیرت وجود دارد؛ ۴ و بصیرت حقیقی آن است که شناخت و بینش انسان را نسبت به خود و محیط پیرامونی اش تغییر داده ۵ و با عبرت آموزی از مشاهدات، قدرت تشخیص را در او بالا ببرد ۶ تا بتواند در حوادث و اتفاقات جامعه قدرت شناسایی حق و باطل را داشته باشد. ۷ در نگاه قرآن، بینش و بصیرت واقعی آن است که انسان را به خداوند نزدیک تر نماید. ۸.

۱. ق، ۲۲. بقره، ۷. جاثیه، ۲۳.
۲. اعراف، ۲۰۱.
۳. همان.
۴. رعد، ۱۶. هود، ۲۴. غافر، ۵۸.
۵. قصص، ۷۲. نور، ۴۴.
۶. اشاره به آیات آفاقی و انفسی. ذاریات، ۲۱-۲۰.
۷. آل عمران، ۱۳.
۸. قصص، ۷۲.





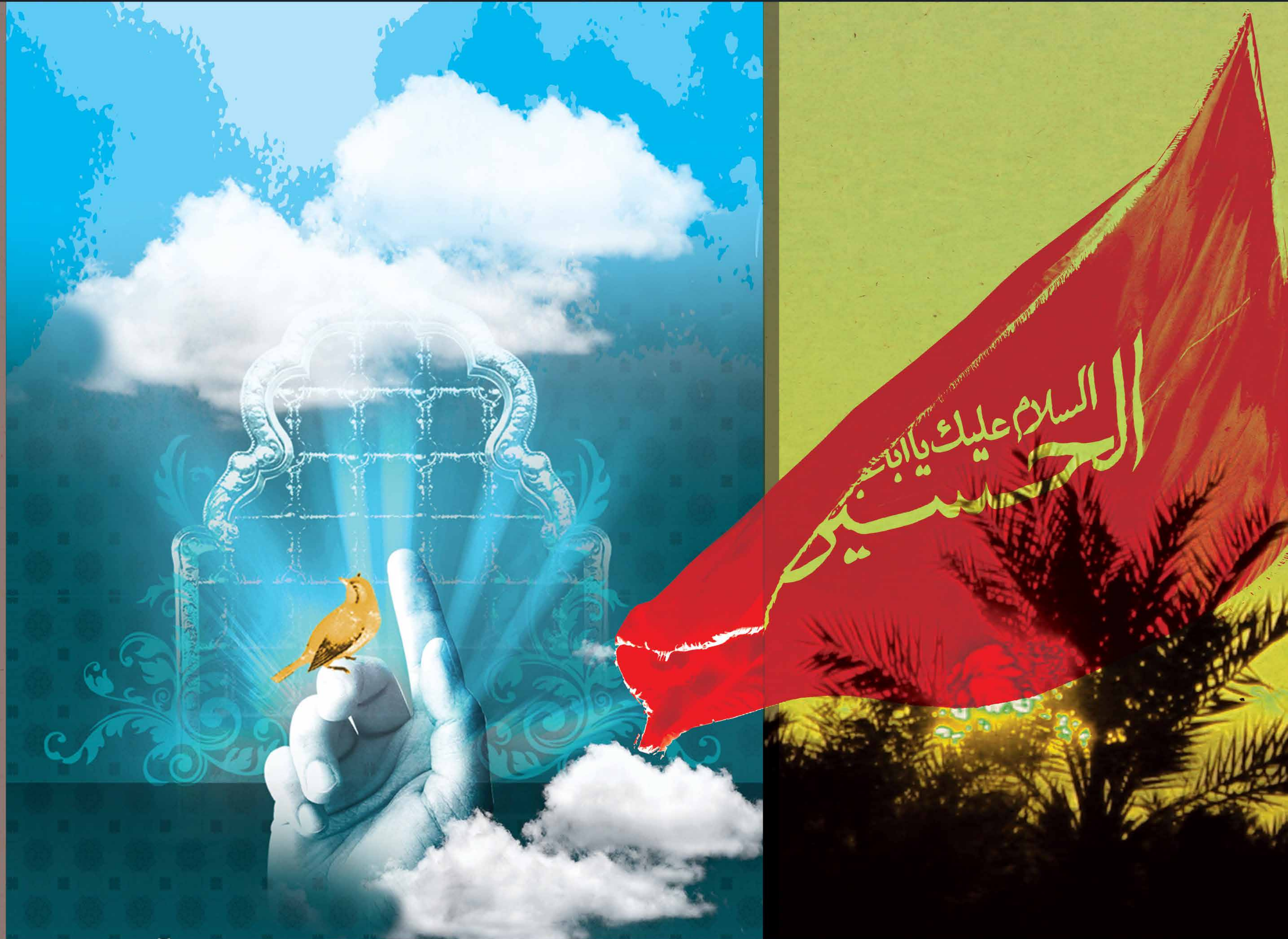
نابینای جسمی، با عصای سفید و خط بریل و مانند آن در صدد جبران و یافتن جایگزین مناسب برای آن بر می آید، اما کوری باطن درمان ندارد و پیامدش خسران دنیا و آخرت خواهد بود.

## پرتو عترت

بسیارند کسانی که از چشم سر بهره مندند، ولی چشم باطن و حقیقت بین آنان کور و نابیناست، به همین جهت است که قدرت تشخیص حق و باطل و رو از ناروا را ندارند و به راحتی چشم بر روی حقایق می بندند. از این رو از اینگونه افراد هم به نابینای باطنی تعبیر می شود. پیامبر اعظم (ص) می فرماید: کور آن نیست که چشم او کور است، کور آن است که بصیرتش کور است. ۱

علی علیه السلام نیز می فرماید: از دست دادن بینایی آسان تر است تا از دست دادن بینش ۲ و فرمود: هرگاه دیده ی بصیرت کور باشد، نگاه با چشم ظاهر سودی ندهد. ۳

۱. نهج الفصاحه، ح ۷۸۵، ص ۱۵۳.
۲. نهج الفصاحه ص ۱۵۳. غرر الحکم ص ۵۳۶. ح ۶۴۶۳.
۳. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۰۴.





آیا تاکنون از خود پرسیده ایم که از بین صدها هزار مسلمان در آن روزگار، چرا فقط ۷۲ نفر لشکر خدا را همراهی کردند و هزاران نفر از همین مسلمانان در برابر حق ایستادند و با قصد قربت بر روی فرزند پیامبرشان شمشیر کشیدند؟

## یا لیتنا کنّا معک

«یا لیتنا کنّا معک؛ حسین جان! ای کاش ما هم کنارت بودیم و با دشمنان دین خدا می جنگیدیم!»؛ جمله ای که بارها گفته ایم و در خلوت خود یا در مراسم مذهبی، پس از شنیدن مظلومیت ابا عبدالله علیه السلام) رگ غیرت دینی مان برجسته شده، این کلمات را بر زبان دل جاری می کنیم.

ولی آیا تاریخ را نیک نگریسته و شرایط آن زمان را درک کرده ایم و در مورد افراد بزرگی همچون ابن عباس فکر کرده ایم که چرا امام را همراهی نکرده اند؟! آیا ما مردمان امروزی، فضای پیرامون خود را خوب درک کرده و از رهبر زمان خود اطاعت می کنیم یا اینکه مانند همان گذشتگانی که از آنان دل چرکین هستیم، ما نیز با دهها توجیه و بهانه، امام و رهبر خود را تنها می گذاریم؟ راستی با امام زمان خود چقدر رابطه داریم؟ آیا ایشان از ما رضایت دارند؟



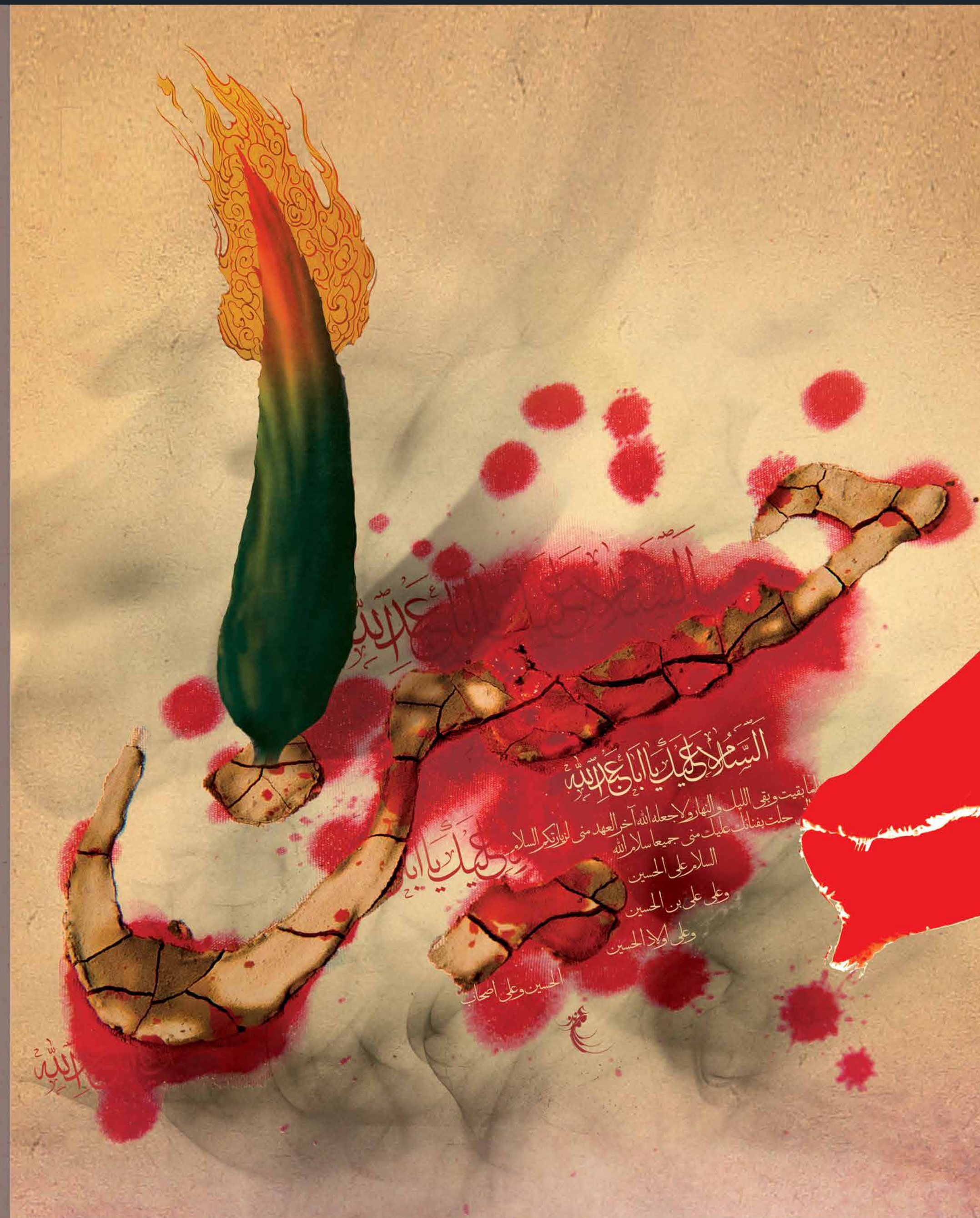


بصیرت، ناگهانی و به صورت دفعه‌ای پدید نمی‌آید، بصیرت ریشه در رفتارها و بینش‌های پیشین دارد که با گام نهادن در مسیر اطاعت الهی و مدیریت هواهای نفسانی، دستگیر و نجات بخش انسان از مهلکه‌ها خواهد شد.

## رد پای گذشته

یاران عاشورایی امام حسین علیه السلام هم رفتار و بینش صحیح آنان بود که فریادرس آنان در کربلا شد و تداوم راه صحیحی که از قبل در پیش گرفته بودند. سخنان یاران حضرت، گواه روشن این حقیقت است.

نافع بن هلال شب عاشورا پس از سخنان امام حسین علیه السلام برخاست و ضمن اعلام وفاداری گفت: «فانا علی نیاتنا و بصائرنا؛ همان انگیزه‌ها و بصیرت‌های گذشته را داریم و از دست نداده ایم». و عباس بن شیب، وقتی خدمت امام حسین علیه السلام رسید، خطاب به ایشان عرض کرد: «سلام بر تو ای ابا عبدالله! خدا را گواه می‌گیریم که من بر آیین تو و آیین و خط مشی پدرت هستم».





شناخت دقیق دشمن و مبارزه آگاهانه با عناصر گمراه و آلوده برای از بین بردن موانع رشد و بصیرت جامعه، تلاشی بایسته و ضروری است تا تیر شبیه ها چشمان حقیقت بین مردم را کور ننماید.

## تیر شبیه

از شیوه های رایج دشمنان، شبهه افکنی، ناکارآمد جلوه دادن حاکمیت اسلامی و القای یأس و ناامیدی در میان مردم جوامع اسلامی است تا از این طریق اهداف خود را مرحله به مرحله اجرایی نمایند و مؤمنان را نسبت به راه در پیش گرفته دو دل و مردد نمایند. در این فضا وظیفه بیش افزایی و بصیرت، کشف و تبیین شبهات و ... وظیفه ای همگانی است. یاران امام حسین علیه السلام هم وقتی که در برابر نیروهای فریب خورده دشمن قرار می گرفتند آنها را به بصیرت و آگاهی دعوت می نمودند. «بریر» از یاران وفادار امام حسین وقتی که با نیروهای دشمن روبرو می شود، در ضمن سخنان خود می گوید: «الحمد لله الذی زادنی فیکم البصیره؛ سپاس خدایی را که بصیرت و شناخت مرا درباره شما افزون ساخت».





عاشورا به ما می آموزد که در صحنه‌های زندگی، در پیرویی‌ها و حمایت‌ها، در دوستی‌ها و دشمنی‌ها و موضع‌گیری‌ها، بر اساس شناخت عمیق و بصیرت عمل کنیم و با یقین و اطمینان به درستی کار و حَقانیت مسیر با شناخت خودی و بیگانه، و حق از باطل، گام در راه بگذاریم.

## پای درس عاشورا

عاشورا پیامها و عبرتهایی دارد. عاشورا به ما درس می دهد که برای حفظ دین باید فداکاری کرد. درس می دهد که در راه قرآن باید از همه چیز گذشت. درس می دهد که در میدان نبرد حق و باطل، همه افراد اعم از کوچک و بزرگ، زن و مرد، پیر و جوان، شریف و وضع و امام و رعیت با هم در یک صف قرار می گیرند. درس می دهد که جبهه دشمن با همه تواناییهای ظاهری بسیار آسیب پذیر است.

عاشورا به ما درس می دهد که در ماجرای دفاع از دین، بصیرت بیش از چیزهای دیگر برای انسان لازم است. بی بصیرتها بدون اینکه بدانند، فریب می خورند و در جبهه باطل قرار می گیرند چنانکه در جبهه ابن زیاد کسانی بودند که فساق و فجّار نبودند ولی از بی بصیرتها بودند. اینها درسهای عاشورا است. البته همین درسها کافی است که یک ملت را از ذلت به عزت برساند. همین درسها می تواند جبهه کفر و استکبار را شکست بدهد. اینها درسهای زندگی ساز است.

بخشی از سخنان مقام معظم رهبری در ۲۲ تیر ۱۳۷۱.





حادثه کربلا، به ما یاد می دهد که اگر دین اسلام را تحریف نکرده بودند، اگر اهل بیت(ع) را از قرآن جدا ننموده بودند و اگر احکام اسلام تغییر نیافته بود، و عده ای به جاهلیت برنگشته بودند، صحنه کربلا پیش نمی آمد؛ بنابراین برای جلوگیری از تخریب باید، عوامل آن را شناسایی و با آنها برخورد نمود.

## پیام فوری عاشورا برای امروز

امام خامنه ای: به نظر من امروز یکی از پیام های عاشورا از دیگر درس ها و پیام های عاشورا برای ما فوری تر است. ما باید بفهمیم چه بلایی بر سر آن جامعه آمده که سر حسین بن علی علیه السلام آقا زاده اول دنیای اسلام و پسر خلیفه مسلمین علی بن ابی طالب علیه السلام در همان شهری که پدر او بر مسند خلافت می نشسته است گردانده شد و آب از آب هم تکان نخورد.

دو عامل، عامل اصلی این گمراهی و انحراف عمومی است: یکی «دور شدن از ذکر خدا» که مظهر آن نماز است، یعنی فراموش کردن خدا و معنویت و جدا کردن حساب معنویت از زندگی و فراموش کردن توجه و ذکر و دعا و توسل و توفیق از خدای متعال و توکل بر خدا و کنار گذاشتن محاسبات خدایی از زندگی.

عامل دوم: «اتبعوا الشهوات» است یعنی «دنبال شهوترانی ها و هوس ها و در یک جمله، دنیا طلبی رفتن» و به فکر جمع آوری ثروت و مال بودن و التذاذ و به دام شهوات دنیا افتادن و اصل دانستن اینها و فراموش کردن آرمانها. این درد اساسی و بزرگ است و ما هم ممکن است به این درد دچار بشویم.





غفلت و لجاجت، دو عامل پرخطر در مسیر زندگی است که همواره انسان را با تهدید مواجه ساخته، چه بسا باعث می شود ثمره ی یک عمر زحمت و تلاش و خدمت انسان بر باد رفته، پوچ و نابود گردد.

## دو عامل آفت زا

غفلت و لجاجت، دو عامل پرخطر در مسیر زندگی است که همواره انسان را با تهدید مواجه ساخته، چه بسا باعث می شود ثمره ی یک عمر زحمت و تلاش و خدمت انسان بر باد رفته، پوچ و نابود گردد. قرآن و روایات نیز به انسان هشدار می دهد که همه باید مراقب باشند تا اعمال نیک شان را با اعمال ناروا حبط و نابود نکنند. (سوره زمر، آیه ۶۵).

باید مراقب بود تا به آفت غفلت دچار نشد که در صورت غافل شدن، درک و بینش صحیح هم از انسان گرفته می شود. همانگونه که امیر بیان علی علیه السلام می فرماید: دَوَامُ الْغَفْلَةِ يُعْمَى الْبَصِيرَةُ؛ ادامه یافتن غفلت، دیده بصیرت را کور می سازد. ۱ از دیگر پیامدهای غفلت زدگی این است که چنین افرادی به این گمان که تشخیص آنان برترین تشخیص و درک و فهم فشان بالاترین درک و فهم است، دچار خود بینی و وهم گرایی می گردند و بر باورها و اعتقادات نادرست خود پافشاری و لجاجت می ورزند. در چنین فضایی است که زمینه های کج فهمی، بی بصیرتی و کوری دل فراهم خواهد شد.

۱. عیون الحکم و المواعظ، ص ۲۵۰. غررالحکم، ح ۵۱۴۶.





کسی می تواند چهره زیبای حقیقت را آن گونه که هست ببیند و به سرچشمه زلال معرفت و بصیرت برسد که دیده عقل خود را با حجاب آرزوها نپوشاند و در میان ابرهای تیره و تار طول امل قرار نگیرد.

## دشمن همراه

پیامبر اکرم (ص) «طول امل» یا همان آرزوهای دور و دراز را یکی از دو دشمن بسیار خطرناک برای انسان ها برشمرده و فرموده است: شدیدترین چیزی که از آن بر شما می ترسم دو خصلت است: یکی پیروی از هوا و هوس و دیگری آرزوی طول و دراز؛ هواپرستی شما را از حق باز می دارد و آرزوی دور و دراز شما را حریص بر دنیا می کند. ۱. یکی از خطرناک ترین پیامدهای آرزوهای دراز و گاه بی پایان، این است که باعث می شود بینش انسان دچار انحراف شده و توان درک حقایق را از دست بدهد. همانگونه که حضرت علی علیه السلام می فرماید: **الْأَمَانِيُّ تَعْمَى عَيْنُ الْبَصَائِرِ؛** آرزوها، دیده های بینش را کور می کند. ۲.

۱. محجة البيضاء، ج ۸، ص ۲۴۵.
۲. غررالحکم، ص ۸۳، ح ۱۴۰۶.





وابستگی های مادی اعم از پست و مقام، ثروت و شهرت، حزب و جناح و باند و ... باعث می شوند انسان در دنیا وام دار و زمین گیر شده و همواره به توجیه و مصلحت اندیشی پرداخته، در مواقع حساس نتواند تصمیم سازی نماید.

## عبیدالله بن حرّ جعفی زمین گیر ثروت

روز اول محرم، یعنی یک روز مانده به ورود سیدالشهدا(ع) به سرزمین کربلا، حضرت در منزلگاه «قصر بنی مقاتل» خیمه‌ای را مشاهده کردند. پرسیدند: «خیمه‌ی کیست؟» گفتند: خیمه‌ی عبیدالله حرّ جعفی. امام شخصی را سراغ او فرستاد. آن شخص نزد او آمد و گفت: حسین بن علی(ع) می‌خواهد با تو دیدار کند.

عبیدالله گفت: من از کوفه بیرون نیامدم مگر این که نه این طرفی باشم، نه آن طرفی.

وقتی قاصد این موضوع را به امام خبر داد، امام فرمود: «ما می‌رویم». بدین ترتیب امام حسین(ع) رفت و با او صحبت کرد. فرمود: «تو مرا می‌شناسی، بیا در لشکر من». ولی عبیدالله نپذیرفت، حضرت به او فرمود: «پس از این جا برو که من از جدم شنیدم، کسی که صدای مظلومیت مرا بشنود و مرا یاری نکند، فردای قیامت به صورت در آتش جهنم می‌افتد». ۱. البته او پس از حادثه‌ی کربلا، به شدت از آن کوتاهی در یاری کردن امام پشیمان شده بود و خود را ملامت می‌کرد، ولی چه فایده که اشتباه او قابل جبران نبود. ۲.

۱. موسوعة کلمات الامام الحسین، ص ۳۶۵.

۲. حیاة الامام الحسین(ع)، ج ۳، ص ۳۶۳.





تصمیم‌گیری خواص در وقت لازم، تشخیص خواص در وقت لازم، گذشت خواص از دنیا در لحظه لازم؛ اقدام خواص برای خدا در لحظه لازم. این هاست که تاریخ و ارزش‌ها را نجات می‌دهد و حفظ می‌کند! در لحظه لازم، باید حرکت لازم را انجام داد اگر تأمل کردید و وقت گذشت، دیگر فایده ندارد. (رهبر معظم انقلاب اسلامی / سال ۷۶)

## بصیرت لحظه‌ها

وقتی که عبیدالله بن زیاد به رؤسای قبایل کوفه گفت: «بروید و مردم را از اطراف مسلم پراکنده کنید و گرنه پدرتان را در می‌آورم» چرا امر او را اطاعت کردند؟! رؤسای قبایل که همه‌شان اموی نبودند و از شام نیامده بودند! بعضی از آنها جزو نویسندگان نامه به امام حسین (ع) بودند. «شبت بن ربیع» یکی از آنها بود که به امام حسین (ع) نامه نوشت و او را به کوفه دعوت کرد. همو، جزو کسانی است که وقتی عبیدالله گفت «بروید مردم را از دور مسلم متفرق کنید» قدم پیش گذاشت و به تهدید و تطمیع و ترساندن اهالی کوفه پرداخت! چرا چنین کاری کردند؟!۱

اگر امثال شبت بن ربیع در یک لحظه حسّاس، به جای این که از ابن زیاد بترسند، از خدا می‌ترسیدند، تاریخ عوض می‌شد. گیرم که عوام متفرق شدند؛ چرا خواص مؤمنی که دور مسلم بودند، از او دست کشیدند؟ بین این‌ها افرادی خوب و حسابی بودند که بعضی شان بعداً در کربلا شهید شدند اما این جا اشتباه کردند.۱

امروز هم اقدام به موقع در دفاع از ولایت و انقلاب و حضور در صحنه، باعث تداوم انقلاب و در نتیجه سپردن انقلاب به حضرت ولی عصر (عج) خواهد بود، حال اگر کوتاهی کنیم ...

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در سال ۷۶.





# شهدای انقلاب اسلامی با تاسی به سرور و سالار شهیدان، با درک صحیح زمان، به حمایت از نائب امام عصر(عج)، ولی فقیه زمان پرداختند و سخن برگرفته از بصیرت و زمان شناسی والای آنان چنین بود: فقط: «نگذارید حرف امام به زمین بماند. همین» والسلام

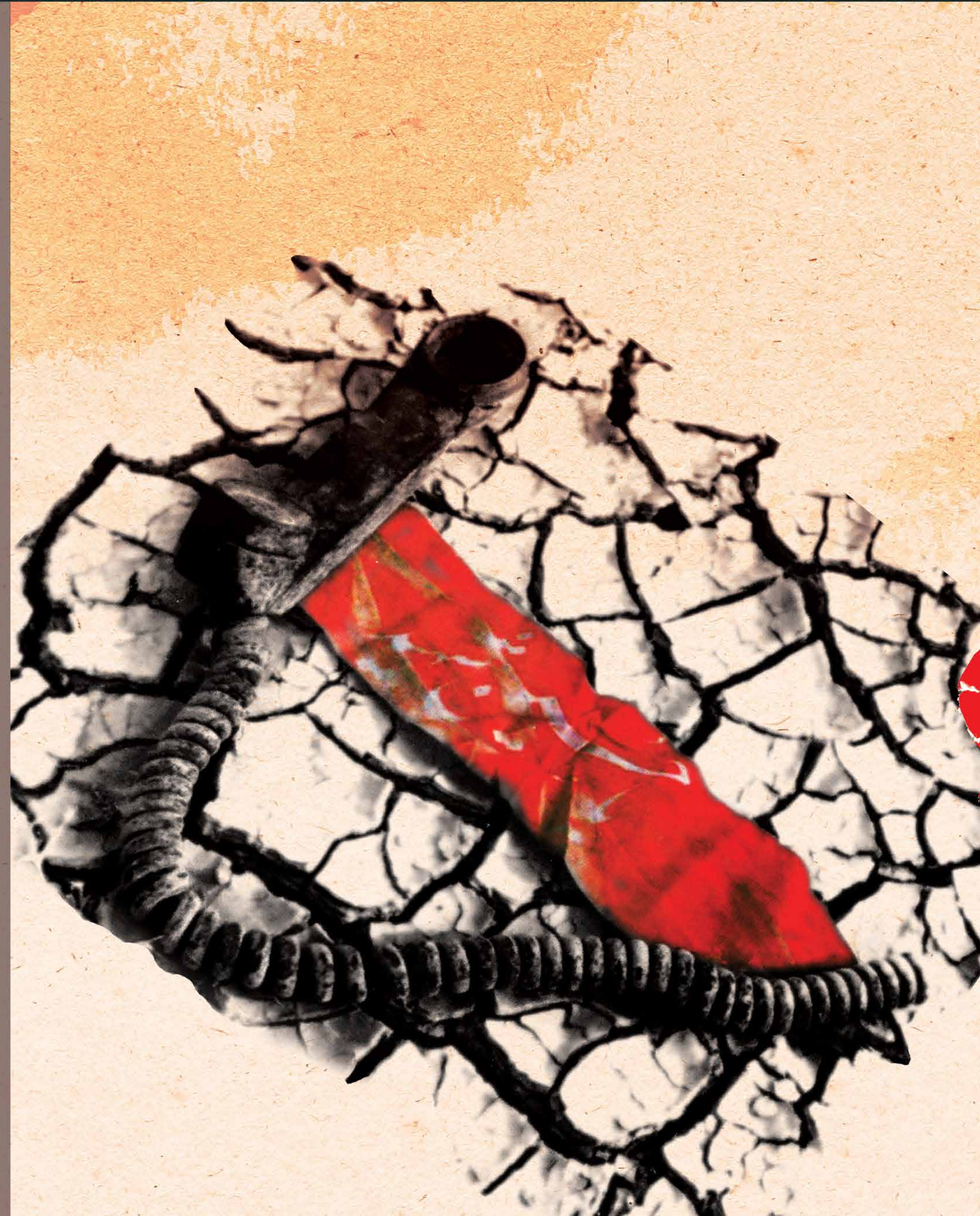
وصیتنامه شهید احمد رضا احدی

## وصیت عاشورایی

از این نمونه از شهدای والا مقام در جنگ بسیارند که با درک صحیح خود، ضمن شناخت جبهه‌ی حق و باطل، به حمایت عملی از آن پرداختند تا به مقتدای خود اقتدا نموده باشند و در راه اهداف مقدس جان خود را فدا نمایند. راوی می‌گوید: در جاده‌ی بصره - خرمشهر، وقتی که شهید «علی اکبر دهقان» به شهادت رسید، من آنجا بودم. دیدم ایشان همان‌طور که می‌دوید، از پشت، از ناحیه سر مورد اصابت قرار گرفت و سرش جدا شد. در همان حال که تنش داشت می‌دوید سرش روی زمین می‌غلتید، سر این شهید حدود پنج دقیقه فریاد یا حسین یا حسین می‌داد. این فریاد را همه‌ی ما که حدود ده تا پانزده نفر بودیم می‌شنیدیم. همه گریه می‌کردند.

چند دقیقه بعد، از کوله‌پشتی وصیت‌نامه‌اش را برداشتیم. نوشته بود: خدایا! من شنیده‌ام که امام حسین(ع) با لب تشنه شهید شده. من هم دوست دارم این‌گونه شهید شوم، خدایا! شنیده‌ام که سر امام حسین(ع) را از پشت بریده‌اند. من هم دوست دارم سرم از پشت بریده شود. خدایا! شنیده‌ام سر امام حسین(ع) بالای نیزه قرآن خوانده. من که مثل امام حسین(ع) اسرار قرآن را نمی‌دانم که بتوانم با آن انس بگیرم و بتوانم بعد از مرگم قرآن بخوانم، ولی به امام حسین(ع) خیلی عشق دارم، دوست دارم وقتی شهید می‌شوم سر بریده‌ام به ذکر یا حسین یا حسین باشد.<sup>۱</sup>

۱. نقل از کتاب روایت مقدس، ص ۳۰۰ با اندکی تصرف.





کوثر زلال عاشورا، در متن زندگی شیعه و در عمق باورهای پاک او جریان دارد و در طول قرن‌ها، سیراب کننده جانها بوده است. اینک نیز عاشورا پرگاری است که عشق را ترسیم می کند و قانونی است که ارزشها، احساسها، عاطفه ها، خردها و اراده ها بر گردش می چرخند و به حرکت و پویایی می رسند.

## عاشورا پرگاری برای ترسیم عشق

فرهنگ عاشورا، یادکرد فداکاریها، شجاعتها، غیرت دینی، امر به معروف و نهی از منکر، اصلاح امور ناپسند، بازگشت به اصالت دینی، احیای آموزه های دینی، مبارزه با ظلم و ستم، اقامه نماز، و... است که هر آزاده ای را به پیروی و الگوپذیری از خود دعوت می نماید.

محب و پیرو حسین علیه السلام نیز با گام نهادن و تکیه بر همین اصول و ارزشهاست که می تواند پیروی عملی خویش را نمایان سازد و انقلاب خمینی کبیر، نمونه بارز این الگو پذیری است. امام خمینی خود می فرمود: ما باید متوجه این معنا باشیم که اگر قیام سید الشهداء علیه السلام نبود امروز ما نمی توانستیم پیروز شویم، انقلاب اسلامی ایران، پرتوی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی آن است. (صحیفه نور، ج ۸، ص ۱۲)

و امام خامنه ای می فرماید: یکی از درسهای عاشورا، همین انقلاب عظیم و کبیری است که شما ملت ایران پشت سر حسین زمان و فرزند ابی عبدالله الحسین علیه السلام انجام دادید. خود این، یکی از درسهای عاشورا بود.

(بیانات ایشان در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۷/۲/۱۸)

باید دانست که از این مرحله به بعد کار سخت تر می شود و برای تداوم حرکت انقلاب لزوم الگو گیری بهتر و بیشتر از فرهنگ عاشورا احساس می شود که البته در کنار آن نبرد و جهاد به تناسب موقعیت در جبهه های علمی و فرهنگی از اسباب مسلم تداوم انقلاب و برافراشته شدن پرچم اسلام حقیقی محسوب می شود.

السَّلَامُ عَلَى الْحَسَنِ  
وَعَلَى آلِهِ  
وَعَلَى ابْنِ الْحَسَنِ  
وَعَلَى آلِ ابْنِ الْحَسَنِ  
كل يوم





بنیان نظام اسلامی ما در کربلا بنا نهاده شد و ما امروز ادامه دهندگان حرکت عاشورا ایم و تا قیام خونخواه آل محمد(ص) در برابر خدا و اهل بیت و شهدا مسؤولیم و باید پاسخگو باشیم.

## ما و انقلاب اسلامی

همه ی آزادگان دنیا امروز چشم امیدشان به نظام ماست و ما در حال گذار از یک مرحله ی مهم تاریخ هستیم تا امانت را به دست صاحب اصلی اش برسانیم. لذا وظیفه ی اصلی ما جانبازی در این راه است و باید راه هزاران شهید را که برای بقای این نظام جان سپاری کردند ادامه دهیم و البته در برابر خون آنان مسؤولیم. حقانیت ما همچون روز روشن است و فقط کافی است چشمانمان را باز کنیم. علی رغم همه ی مشکلات موجود اعم از اجتماعی، قضایی و اقتصادی ما در مسیر درست در حال حرکتیم و گواه آن هم این دشمنی بی سابقه ی نظام کفر و استکبار با ماست چرا که اگر ما در مسیر غلط باشیم آنها بیشتر کمکمان می کنند نه دشمنی.

